1. فیچر سلکشن

برای قسمت اول ابتدا accuracy هر فیچر را با الگوریتم طبقه بندی ID3 محاسبه میکنیم که در اینجا با الگوریتم K-fold برای 5 حالت accuracy را محاسبه میکنیم سپس میانگین این5 مقدار را برای هر فیچر ست میکنیم.

در مرحله بعد ماتریس correlation را به دست می اوریم و برای همه مقادیر قدر مطلق را حساب میکنیم.

سپس میانگین correlation را برای هر فیچر حساب میکنیم :

در اینجا با توجه به نحوه پیاده سازی ، برای به دست اوردن f1، من میانگین را به جای max برای هر فیچر حساب کردم.

حالا دو متریک accuracy , mean\_correlation برای هر فیچر داریم که من 17 فیچر در نظر گرفته ام.

برای به دست اوردن f1 ابتدا correlation را عکس میکنیم تا بیشترین مقدار بهترین باشد مانند accuracy و برای هر فیچر مقدار f1 را حساب میکنیم.

حالا این مقادیر را سورت میکنیم و بر اساس این مقدار و تعداد فیچری که میخواهیم، دیتا اصلی را برمیگردانیم.

2.خوشه بندی

در مرحله بعد با استفاده از الگوریتم kmeans داده ها را خوشه بندی میکنیم و هر خوشه را با استفاده از یک classifier آموزش می دهیم و سپس یک حلقه بر روی دیتا تست میزنیم و predict\_label هر داده تست را به دست می اوریم و در نهایت دقت ان را محاسبه میکنیم که البته برای این دیتا به دلیل اینکه دیتا تمیزی هست به طور واضح نمیتوانیم بهتر شدن دقت را ببینیم و در چند حالت خاص با تغییر تعداد کلاستر ها و فیچر ها این اتفاق رخ می دهد.

3. مسائل مختلف

در مرحله اخر هم برای یک حالت سه کلاسه(AB-CD-E) و سه حالت دو کلاسه

(AB-CD , AB-E, CD-E) دقت را اندازه گیری میکنیم.

برای این کار دیتایی که همه فیچر ها را دارد را به different\_issue پاس میدهیم و در انجا بعد از تغییر مسئله feature\_selection را صدا میزنیم و دلیلش این است که بعد از تغییر مسئله دقت و f1 برای هر فیچر تغییر می کند پس دوباره باید فییچر سلکشن انجام شود.

در مسئله های دو کلاسه ، دقت الگوریتم با ترکیب کلاسترینگ و کلاسیفایر به وضوح بیشتر می شود که فکر میکنم علت ان کمتر شدن داده های مشابه به هم است (افرادی که صرع ندارند) که باعث می شود کلاسترینگ دقیق تر انجام شود.